

## ۱۰ ایراد مهلك رهبران سازمانی از مسیر خارج شده

بدترین رهبران سازمانی

شخصیتی هستند

**مقاومت در برابر ایده‌های جدید:** آنها پیشنهادها را زیرستان و همکاران خود را رد می‌کنند. عقاید خوب اجرا نمی‌شوند و دود آن به چشم سازمان می‌رود.

**عدم یادگیری از اشتباهات:** آنها بیشتر از همتایان خود اشتباه نمی‌کنند اما نمی‌توانند از اشتباهات خود به عنوان فرصتی برای پیشرفت استفاده کنند، اشتباهات خود را پنهان می‌نمایند و در عوض بر روی آنها پافشاری می‌کنند.

**فقدان مهارت‌های بین فردی:** آنها متعهد نیستند و بسیاری از ایده‌های مناسب را حذف می‌کنند.

**ناتوانی در توسعه دیگران:** آنها منحصرأ بر توسعه خودشان تمرکز می‌کنند و در نتیجه افراد و تیم‌ها را در کارها دخالت نمی‌دهند.

**فقدان انرژی و اشتیاق:** آنها ابتکارات جدید را نمی‌پذیرند و ترس بر آنها غلبه می‌کند. چنین رهبری تمامی انرژی موجود را از میان می‌برد. پذیرفتن عملکرد معمولی خویش: آنها درباره مشکل بودن اهداف قابل تحقق غلو می‌کنند به گونه‌ای که وقتی به اهداف دست یافتند، تصور شود عالی کار کرده‌اند.

**فقدان بینش و مسیر:** آنها فقط به شغل خودشان اعتقاد دارند. قضاوت ضعیف: آنها تصمیماتی می‌گیرند که همکاران و زیرستان آنها را به نفع سازمان نمی‌دانند.

**عدم همکاری:** آنها از همتایان خود اجتناب می‌ورزند، مستقل عمل می‌کنند و دیگر رهبران را رقیب خود می‌دانند. در نتیجه، آنها افرادی که دیدگاه‌هایشان با آنها متفاوت می‌باشد و اتفاقاً به کمکشان نیاز دارند را کنار می‌گذارند.

**قانون شکنی:** آنها استانداردهای رفتاری یا انتظارات عملکرد را تعیین کرده و سپس خودشان آنها را نقض می‌کنند. به نظر می‌رسد آنها فاقد انسجام

## گفتگو با پائول کروگمن

در مورد بحران مالی جهان

زیادی از افراد بانفوذ بر این باور بودند که کل ساختار مالی غیر ضروری و حتی تحریف کننده است. اکنون که به آن دوره بازمی‌گردید، اشتباه آنها را متوجه می‌شوید.

پائو کروگمن استاد دانشگاه پرینستون و آخرین برنده جایزه نوبل اقتصاد است. او معتقد است استعداد واقعی، توانایی برای ایجاد مدل‌های ساده است که نمایانگر پدیده‌های پیچیده اقتصادی هستند.

**برخی از علل بحران که کمتر مشهود بوده‌اند، کدام هستند؟**  
یک نکته مهم آن است که منافع مدیران همان منافع سهامداران نبودند. این ایده که مدیران باید در سود شرکت سهام داشته باشند، بسیار مهم است و فقدان آن در بحران امروز دیده می‌شود.

**چه نکاتی در شرایط امروزی باعث حیرت شما شده‌اند؟**  
قدرت ساز و کارهای تحولات بین‌المللی بسیار عجیب بوده است. فکر می‌کنم هیچ کس تصور نمی‌کرد با چنین شرایط دنیای امروز دچار رکود می‌شود. به نظر من هنوز هم فقدان یک دولت واحد در اروپا احساس می‌شود و این یک مسئله بزرگ است. رهبران اروپایی نمی‌دانند چگونه بین خود هماهنگی برقرار نمایند. ما زمانی شاهد ترکیب برخی حساب‌ها بودیم ولی به آنها توجه نمی‌کردیم. از یک سو اسپانیا و ایرلند و از سوی دیگر کشورهای شرق اروپا قرار داشتند. آنها آن قدر بزرگ هستند که بتوانند بر اقتصاد جهانی تأثیر گذار باشند اما در عمل چنین نیستند. برخی فکر می‌کنند که انرژی کارآفرینی و نوآوری فقط در ایالات متحده آمریکا وجود دارد. این کافی نیست. نوآوری، سختکوشی و خلاقیت برای رشد اقتصادی بلندمدت مورد نیاز هستند.

**آیا مدیران سازمان‌ها باید رفتار خود را تغییر دهند؟**  
باید اذعان کنم اعتقاد چندانی به این کار ندارم - اقتصاد بر این فرض جلو می‌رود که حداقل بخش خصوصی می‌داند دارد چه کار می‌کند. طی ۱۰ سال گذشته، رشد بهر موری بالا بوده است. این نشان می‌دهد که شرکت‌های غیر مالی کارشان را خوب انجام می‌دهند. من معتقدم بیشترین مشکل به دلیل موضوعات مربوط به حقوق و مزایای مدیران است که بیشترین نقش را در رکود و سقوط بخش مالی دارد. این مطمئناً در اتخاذ تصمیمات نادرست نقش دارد.

**آیا این بحران باعث نامی بهتر برای سوسیالیسم خواهد شد؟**

خیر. اتفاقاً باعث نامی بهتر برای سرمایه‌داری خواهد شد. مدتی پیش، تعداد